

بیراهه شوک درمانی ارزی

چرا حذف ارز ترجیحی در سال گذشته، مشکل دسترسی دولت به ارز را حل نکرد و این سیاست به کجای انجامد؟



محمد حقگو
economice@khorasannews.com

حذف ارز ترجیحی در ماه‌های پایانی سال گذشته، به مانند تجربه سال ۱۴۰۱، یکی از جنجالی‌ترین سیاست‌های اقتصادی سال‌های اخیر بوده است. با این حال، مرور عملکرد دولت در سال گذشته نشان می‌دهد که چگونه نسخه‌های شتاب‌زده برخی مشاوران اقتصادی دولت، به جای حل مسئله ارزی، خود به بخشی از صورت مسئله تبدیل شدند. امروز نیز این دسته از افراد با فرافکنی، ریشه مشکلات به وجود آمده از جمله ناآرامی‌های دی‌ماه - را در وجود «ارز چندنرخ» جست‌وجو می‌کنند، نه در تبعات حذف غیراصولی ارز ترجیحی. در این میان، توضیحات یک کارشناس اقتصادی، پرده از ناگفته‌های نیمه دوم سال گذشته برمی‌دارد و نشان می‌دهد چگونه حاصل این نسخه مخرب شوک درمانی که نهایتاً دولت آن را اجرا کرد، چیزی جز آشفتگی اجتماعی، جهش تورمی و له شدن طبقات متوسط و فرودست زیر آوار قیمت‌ها نبوده است.

حکایت یک نعل وارونه

اظهارات اخیر یکی از مشاوران اقتصادی نزدیک به دولت و بانک مرکزی، تأمل برانگیز است. او مدعی شده که ریشه اقتصادی ناآرامی‌های ۱۸ و ۱۹ دی سال گذشته، نه حذف ارز ترجیحی و جهش قیمت کالاهای اساسی، بلکه وجود ارز چندنرخ در اقتصاد بوده است. اهمیت این ادعا فقط در نسبت آن با ناآرامی‌های دی‌ماه نیست، بلکه در این است که با مسئولیت‌را از دوش طراحان این سیاست برمی‌دارد و بحران را به «چندنرخ بودن» حواله می‌دهد؛ نوعی فرار رو به جلو و نعل وارونه در تحلیل اقتصادی این سیاست.

تله ارزی؛ وقتی «وصول» متوقف شد

در پاسخ به ادعای فوق، یکی از کارشناسان مطلع اقتصادی، جزئیات کمتر شنیده شده‌ای از حذف ارز ترجیحی را روایت می‌کند. او می‌گوید: از اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴، همزمان با جنگ ۱۲ روزه، سیستم وصول درآمدهای نفتی ایران دچار «سکته‌ای جدی» شد. برخلاف ادعاهای سطحی، مشکل در «صادرات» نبود، بلکه در «بازگشت منابع» نهفته بود. وصول ارزی دولت در برخی ارقام تا ۶۰ درصد نسبت به مدت مشابه کاهش یافت و در نتیجه، واردات کالاهای اساسی - که مستقیماً به صادرات نفت گره خورده بود - با چالش روبه‌رو شد.

این اتفاق، زنجیره‌ای از اختلالات را فعال کرد. تراستی‌ها و تریدرهایی که مسئولیت آوردن ارز نفت را بر عهده داشتند، منابع را به چرخه رسمی هدايت نکردند. در روایت این کارشناس، کار حتی به خروج یکی از متولیان

تکذیب شایعه نیویورک تایمز

درباره نامه همتی به رهبرانقلاب

بانک مرکزی، ادعای روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز درباره رئیس کل این بانک به رهبری درخصوص ذخایر مواد غذایی را تکذیب کرد. به گزارش فارس، روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز مدعی شده است که عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی در نامه‌ای به آیت‌ا... مجتبی خامنه‌ای به ایشان اطلاع داده که در صورت تداوم محاصره دریایی، ذخایر مواد غذایی و دارویی کشور تا پایان ماه اوت (شهریور ۱۴۰۵) به اتمام خواهد رسید. این گزارش همچنین ادعا کرده که رئیس کل بانک مرکزی، آیت‌ا... مجتبی خامنه‌ای را به موافقت با یادداشت تفاهم ترغیب کرده است. یک منبع در بانک مرکزی در گفت‌وگو با خبرنگار فارس این ادعا را تکذیب کرد و آن را از اساس فاقد صحت دانست. این منبع تأکید کرد رئیس بانک مرکزی هیچ گزارشی در این خصوص به رهبری ارسال نکرده و این ادعای نیویورک تایمز نادرست است. در خور ذکر است نیویورک تایمز پیشتر نیز گفته بود که ایلان ماسک از طرف دونالد ترامپ به تهران سفر می‌کند که کذب این مسئله اثبات شد.

مقام روس: راه‌آهن روسیه آماده توسعه

حمل و نقل غلات به ایران است



مدیرعامل شرکت راه‌آهن روسیه گفت: این شرکت آماده توسعه حمل و نقل غلات روسیه به ایران است. به ایران از طریق کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب (ITC) است. به گزارش ایرنا از خبرگزاری تاس، کانال شرکت راه‌آهن روسیه در بیانیه‌ای به نقل از اولگ بلوزروف مدیرعامل این شرکت اعلام کرد: ما آماده توسعه حمل و نقل غلات روسیه به ایران هستیم. روند حمل و نقل در ژانویه تا ژوئن مثبت بوده است. ۶۵ هزار تن غلات از طریق آستارا به ایران حمل شده که بیش از چهار برابر مدت مشابه سال گذشته است. این شرکت همچنین یک پروتکل سه جانبه با ایران و آذربایجان امضا کرد که بر اساس آن طرفین به تقویت جذابیت تجاری کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب ادامه خواهند داد. این کشور همچنین توافق کردند که با همگام‌سازی سیستم‌های تبادل داده و روی آوردن به فناوری حمل و نقل بدون کاغذ، یک «کریدور دیجیتال» ایجاد کنند. بلوزروف افزود: ما در مازوئن نشانه‌هایی از افزایش حمل و نقل بار از طریق آستارا را مشاهده کرده ایم. ۵۵۵ TEU [معادل کانتینر ۲۰ فوت] که ۳.۵ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته است و ۴۷ هزار تن بار که یک افزایش ۵۰ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته نشان می‌دهد، از طریق این مسیر حمل شده است.

نفت ایران در مسیر بازگشت به ژاپن؟

تهران و توکیو پس از ۷ سال، گفت وگو برای ازسرگیری صادرات نفت به ژاپن را کلید زدند. با این حال دوره کوتاه معافیت تحریمی آمریکا و امنیت هرمز ۲ گره اصلی به شمار می‌رود



مسیر تردد نفتکش‌ها باید کاملاً تضمین شود. نگرانی‌ها زمانی جدی‌تر می‌شود که به تحولات اخیر در آب‌های منطقه نگاه کنیم؛ توقیف یک کشتی کانتینربر در تنگه هرمز توسط نیروهای مسلح ایران و تأکید سپاه پاسداران بر ضرورت دریافت مجوز عبور برای تمام شناورها، در کنار گزارش سازمان بین‌المللی دریانوردی سازمان ملل مبنی بر احتمال وجود حدود ۸۰ مین شناور در بخش مرکزی تنگه هرمز، ریسک بیمه و تردد کشتی‌ها را به اوج رسانده است.

یک مقام ارشد پالایشگاهی در ژاپن تصریح کرده است که بزرگ‌ترین سد پیش‌رو، تأمین پوشش بیمه‌ای نفتکش‌هاست؛ مانعی که معمولاً در شرایط ناامنی مسیر و ابهام در توافقات پایدار، شرکت‌های بیمه بین‌المللی را از صدور ضمانت‌نامه عقب می‌راند.

سهم پکن محفوظ می‌ماند؟

تحلیلگران بازار انرژی معتقدند معافیت‌های کوتاه‌مدت ناشی از مذاکرات صلح ۶۰ روزه نمی‌تواند ساختار سنتی خریداران را یک‌شبه تغییر دهد. در غیاب یک توافق جامع و پایدار میان ایران و ایالات متحده، پالایشگاه‌های مستقل چین (موسوم به قوری‌ها) که در سال‌های گذشته اصلی‌ترین خریدار نفت ایران بوده‌اند، همچنان بدون رقیب جدی به کار خود ادامه خواهند داد.

با این حال، اقدام شرکت ملی نفت ایران در برقراری تماس با مشتریان سنتی خود نظیر ژاپن، پیامی صریح به بازار است: تهران آماده است تا به محض عبور از فاز مذاکرات موقت ۶۰ روزه و دستیابی به یک چارچوب پایدار، سهم تاریخی خود را در بازارهای شرقی بازپس بگیرد.



این حوزه در بحبوحه «جنگ ۴۰ روزه» نیز کشیده شد؛ موضوعی که به گفته او، با ورود دستگاه‌های امنیتی و بازگرداندن فرد مذکور همراه شد. فارغ از حواشی این پرونده، اصل ماجرا روشن است: اختلال در وصول منابع ارزی، «ستون فقرات تأمین کالای اساسی» را درهم شکست.

بن‌بست واردات و بی‌اعتمادی واردکننده بزرگ

در نتیجه اختلال در بازگشت ارز حاصل از صادرات نفت، یکی از مجموعه‌های عمده واردکننده کالای اساسی که بنا بر برخی برآوردها سهمی نزدیک به ۷۰ درصد از واردات مستقیم و غیرمستقیم این حوزه را در اختیار دارد، با شکافی در تسویه حساب مواجه شده بود؛ شکافی که در برخی موارد به ۹ ماه نیز می‌رسید. به این معنا که کالا وارد شده بود، اما ارز آن هنوز از سوی بانک مرکزی تأمین نشده بود.

در این میان، رزمه‌های «حذف ارز ترجیحی»، تیر خلاص را به پیکره واردات زد. واردکننده عمده وقتی با چشم‌انداز حذف ارز حمایتی مواجه شد، دست از کار کشید. چرا که «عدم قطعیت نرخ تسویه» در آن بازه ۹ ماهه، برای او به معنای ریسک و شکستگی بود. اونمی دانست با چه نرخی با دولت تسویه می‌کند؛ پس واردات را متوقف کرد.

به این ترتیب برخلاف سال ۱۴۰۱، بحران «کمبود کالا» در کشور، نه‌از دل «چندنرخ بودن»، بلکه از شکاف «عدم دسترسی به منابع ارزی» و «بی‌اعتمادی حاصل از سیاست‌گذاری‌های سینوسی» متولد شد.

پاسخ ناقص دولت به مسئله و تبدیل آن به بحران

در ادامه، توصیه برخی مشاوران به رئیس‌جمهور در پاسخ به مسئله کمبود ارز، آزادسازی نرخ ارز واردات کالاهای اساسی بود؛ با این تصور خام که آزادسازی قیمت‌ریالی ارز، موجب کنترل تقاضا و در نتیجه افزایش ارز در دسترس خواهد شد!

در واقع دولت با افزایش نرخ ریالی ارز، تلاش کرد مسئله «کمبود ارز» را با ابزار «گران‌سازی ارز» حل کند؛ در حالی که مشکل اصلی، قیمت نبود؛ «دسترسی» بود.

چرا افزایش نرخ ارز کمبود کالاهای اساسی را حل نکرد؟

پاسخ به این سوال به جزئیات واردات کالاهای اساسی بازمی‌گردد. کافی است سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴ را مقایسه کنیم. در سال ۱۴۰۱، نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار واردات کالای اساسی داشتیم که با حذف ارز ترجیحی، حدود ۳ میلیارد دلار از آن کاسته شد اما به سرعت به نقطه قبلی بازگشت. اما در سال ۱۴۰۴، واردات به ۹ میلیارد دلار رسیده بود؛ یعنی ما عملاً به

فروپاشی ادراک ثبات و امنیت در شیخ نشین‌ها

اکونومیست نوشت، ادراک ثبات و امنیت کشورهای عربی خلیج فارس در نتیجه جنگ علیه ایران به شدت آسیب دیده است



سراب گردشگری برای سعودی‌ها و دیگران: عربستان سعودی، کویت، قطر و عمان در وضعیت میانه‌ای قرار دارند، اما با توجه به بالا رفتن ریسک امنیتی منطقه، مسیر آن‌ها برای تبدیل شدن به هاب‌های تجاری و گردشگری بسیار سخت و ناهموار شده است.

تقلاهای امارات: در این میان، امارات متحده عربی به واسطه قدرت مالی بیشتر و سرمایه‌گذاری‌های پیشین برای توسعه بنادر جایگزین با هدف دور زدن تنگه هرمز، تلاش می‌کند تا حدودی تبعات این شوک را کنترل کند.

آینده منطقه؛ پایان ولخرجی‌ها

وسایه سنگین ریسک کارلستروم در جمع‌بندی خود خاطر نشان می‌کند که تحولات اخیر، مسیر سرمایه‌گذاری‌ها در خلیج فارس را به طور کامل تغییر خواهد داد. انتظار می‌رود بودجه‌های کلان به جای ساخت آسمانخراش‌ها و تفرجگاه‌های لوکس، به سمت خریدهای تسلیحاتی، توسعه راه‌های جایگزین لجستیکی و ایجاد مزارع هیدروپونیک برای تضمین «امنیت غذایی» سرازیر شود.

اکونومیست در پایان با اشاره به تحولات سیاسی آمریکا و بازگشت احتمالی دونالد ترامپ تأکید می‌کند که در بهترین حالت، تنها یک توافق موقت بدون صلح جامع شکل خواهد گرفت؛ این بدان معناست که سایه سنگین ریسک و ناامنی برای سال‌های متمادی بر سر اقتصاد کشور‌های وابسته حاشیه خلیج فارس باقی خواهد ماند و کشورهایی که از ذخایر ارزی و مسیرهای جایگزینی بی‌بهره‌اند، با بحران‌های ساختاری عمیقی روبه‌رو خواهند شد.

تبعات و پس‌لرزه‌های رویارویی اخیر در منطقه و عملیات گسترده پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی ایران، همچنان در کانون توجه محافل تحلیلی و اقتصادی غرب قرار دارد. در همین زمینه، نشریه بریتانیایی «اکونومیست» در تازه‌ترین یادکست تحلیلی خود با عنوان «شورای همکاری خلیج فارس: گام بعدی برای منطقه چیست؟» به بررسی عمق آسیب‌پذیری ساختاری و اقتصادی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس پرداخته است. در این برنامه ۲۴ دقیقه‌ای که با حضور «گرگ کارلستروم»، خبرنگار ارشد خاورمیانه اکونومیست برگزار شد، اعتراف می‌شود که قدرت‌نمایی اخیر ایران و بسته شدن چهارماهه تنگه هرمز که ده‌ها میلیارد دلار خسارت به زیرساخت‌های این کشورها وارد کرد، «شوک مهلکی» به شالوده اقتصادی منطقه وارد کرده و توهم امنیت را در این کشورها در هم شکسته است. در ادامه، مشروح این گزارش و تحلیل اکونومیست از وضعیت بغرنج کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را می‌خوانیم:

۲. وحشت از وابستگی به تنگه هرمز و تغییر اجباری

ریل اقتصاد: بسته‌شدن چهارماهه تنگه هرمز به وضوح نشان داد که شریان حیاتی این کشورها تا چه حد در دسترس و آسیب‌پذیر است. این شوک باعث شده تا کشور‌های عربی با دستپاچگی به دنبال مسیرهای لجستیکی جایگزین برای دور زدن تنگه هرمز باشند و منابع خود را از پروژه‌های فانتزی، به سمت تأمین امنیت فیزیکی و امنیت غذایی سوق دهند.

۳. فروپاشی اعتماد به آمریکا و تشدید اختلافات

داخلی: شاید مهم‌ترین پیامد ژئوپلیتیک تحولات اخیر، بی‌اعتمادی مطلق کشور‌های منطقه به چتر امنیتی واشنگتن باشد. اکونومیست به صراحت اذعان می‌کند که کشور‌های حاشیه خلیج فارس دیگر به آمریکا به عنوان یک شریک امنیتی قابل اتکا نگاه نمی‌کنند. از سوی دیگر، اختلافات قدیمی و بی‌اعتمادی درونی میان خود اعراب نیز همچنان پابرجاست و مانع از هر گونه همکاری جمعی مؤثر می‌شود.

کدام کشورها در لبه پرتگاه قرار دارند؟

تحلیلگران اکونومیست در بررسی وضعیت تک‌تک این کشورها، تصویری تاریک از آینده برخی از آن‌ها ارائه می‌دهد:

بحرین در بحرانی‌ترین وضعیت: این کشور با نسبت بسیار بالای بدهی به تولید ناخالص داخلی، ذخایر ارزی تهی شده و وابستگی مطلق به صادرات نفتی که در طول جنگ مختل شد، در بدترین شرایط ممکن قرار دارد و برای بقا، نیازمند کمک‌های مالی فوری از سوی همسایگان خود است.